

- Lommel, H., 1927, *Die Yašt's des Awesta*, Göttingen-Leipzig.
- Malandra, W. W., 1983, *An Introduction to Ancient Iranian Religion*, Minneapolis.
- Moulton, J. H., 1913, *Early Zoroastrianism*, London.
- Panaïno, A., 1990, *Tištrya, Part I, The Avestan Hymn to Sirius*, Roma.
- , 1995, *Tištrya, Part II, The Iranian Myth of the Star Sirius*, Roma.
- Reichelt, H., 1911, *Avesta Reader*, Strassburg.
- Taraf, Z., 1981, *Der Avesta-Text Niyāyiš mit Pahlavi- und Sanskritübersetzung*, München.
- Thieme, P., 1957, "Vor Zarathustrisches bei den Zarathustriern und bei Zarathustra", *ZDMG*, 107, pp. 57-104.
- Wolff, F., 1910, *Avesta. Die heiligen Bücher der Parsen*, Leipzig.

Anonby, Erik & Yousefian, Pakzad, *Adaptive Multilinguals: A Survey of Language on Larak Island*, Acta Universitatis Upsaliensis, Uppsala, 2011, 157 pages.

انابیی، اریک و یوسفیان، پاکزاد، *چندزبانه‌های انطباقی (بررسی زبان در جزیره لارک)*، دانشگاه اوپسالا، اوپسالا، ۲۰۱۱، ۱۵۷ ص.

لارک جزیره‌ای است از جزایر استان هرمزگان واقع در تنگه هرمز در خلیج فارس و لارکی از زبان‌های ایرانی جنوب غربی و در معرض خاموشی است. آنچه در این کتاب می‌خوانیم حاصل طرحی تحقیقاتی در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی در جزیره لارک است که از سوی دانشگاه اوپسالا در سوئد^۱ با همکاری دانشگاه سیستان و بلوچستان و تشریک مساعی پژوهشگران سازمان میراث فرهنگی در ایران و حمایت مالی شورای پژوهش سوئد^۲ و آژانس همیاری توسعه بین‌المللی سوئد^۳ به مرحله اجرا درآمده است.

این تحقیق، به تعبیری، حاصل تعامل میان یک هیأت تحقیقاتی و جامعه زبانی مورد نظر است. داده‌های این طرح بر اساس تحقیقات میدانی در سفری تحقیقاتی در ژانویه ۲۰۰۹ گردآوری شده است. در یک دید کلی، پژوهشگران این طرح ابتدا دورنمایی از

1) Uppsala University

2) Swedish Research Council

3) The Swedish International Development Cooperation Agency (SIDA)

جامعه زبانی مورد مطالعه به دست می‌دهند و طی آن به تعریف زبان لارکی و گونه‌های آن، کاربرد این زبان از سوی جامعه لارکی‌زبان، بررسی الگوهای کاربردی زبان و وضعیت کنونی و پویایی آن در جامعه امروزی از منظر اهل زبان می‌پردازند.

بنا به اظهار پژوهشگران، پاسخ‌های گویشوران لارکی به پرسش‌های پرسش‌نامه دریچه تازه‌ای را به روی هویت قومی جامعه لارکی گشوده و از این راه دریافته‌اند که اکثر بازماندگان این جامعه نه ایرانی بلکه عرب‌اند و این زبان هم به شدت تحت تأثیر زبان عربی است و این در حالی است که مقایسه آماری-واژگانی لارکی با گُمزاری مسندم بر پایه شباهت‌های بسیاری استوار است و از سوی دیگر نمونه‌های ثبت شده زبانی حاکی از آن است که گفتار گویشوران گُمزاری مسندم برای گویشوران لارکی، آنچنان که انتظار می‌رود، مفهوم نیست. در مجموع، پژوهشگران با در نظر گرفتن ملاحظات زبان‌شناختی و میزان تفاهم میان گویشوران به این نتیجه می‌رسند که گویش‌های گُمزاری مسندم و لارکی هر دو ریشه در یک زبان واحد دارند و آن زبان همان گُمزاری است. علاوه بر این، تحقیقات آنان در حوزه کاربرد زبان نشانگر یک چندزبانگی انطباقی^۱ است که طی آن گویشوران لارکی اصولاً هنگام سخن گفتن یکی از زبان‌های لارکی، فارسی یا عربی یا دست‌کم یکی از گونه‌های محلی مانند قشمی، هرمزی یا بندری را بنا به حوزه کاربرد و محدودیت‌های تخصصی مخاطبان برمی‌گزینند. در این میان، هر چند حضور زبان مادری در خانه و خانواده بسیار پُررنگ است و نظر جامعه زبانی به آن بسیار مثبت، ولی کوچکی جامعه زبانی و پیشینه پرآشوب منطقه تداوم و بقای جامعه زبانی را به خطر انداخته است.

پس از دورنمایی که از مباحث مهم کتاب داده شد، در این بخش به معرفی عناوین اصلی مطالب می‌پردازیم. کتاب در ده فصل تنظیم شده است؛ در فصل یک، که همان مقدمه را شامل می‌شود، مؤلفان به رسم معمول، به معرفی موقعیت جغرافیایی، شرایط آب و هوایی و تنوعات قومی و زبانی و فرهنگی ایران می‌پردازند و ضمن آن اشاره مختصری به فارسی معیار می‌کنند. آن‌گاه به اختصار خواننده را با گونه زبانی لارکی از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی آشنا می‌سازند و انگیزه‌هایی را که منجر به همت آنان در

1) adaptive multilingualism

انجام این پژوهش شده بازمی‌گویند. در این فصل می‌خوانیم لارکی گونه‌ای از کُمزاری است که در منطقه‌ای در تنگهٔ هرمز بدان تکلم می‌شود و البته در ایران این زبان صرفاً محدود است به یک جامعهٔ واحد در جزیرهٔ لارک. از آنجایی که موقعیت گویشوران لارکی در ایران، از نظر زبان‌شناسی اجتماعی، منحصربه‌فرد است، مطالعه در زبان و فرهنگ گویشوران کُمزاری در سال‌های اخیر مورد توجه اهل فن قرار گرفته و تحلیل‌های دقیق‌تری را در حوزهٔ زبان‌شناسی اجتماعی می‌طلبد. در این مقدمه آمده است، برخلاف آنکه در ایران همواره زبان عربی تحت تأثیر فارسی قرار داشته، در این منطقه یک زبان ایرانی از عربی تأثیر می‌پذیرد. همچنین آن دسته از پیچیدگی‌های زبان‌شناختی که منجر به شکل‌گیری این جامعهٔ زبانی شده ناشی از چندزبانگی انطباقی گویشوران این منطقه است و همین امر مبنای این تحقیق قرار گرفته است.

رئوس مطالب فصل دو بدین قرار است: معرفی هیأت تحقیقاتی (۸ نفر)، برنامهٔ سفر، پرسش‌های تحقیق (۱۵ پرسش) و روش‌شناسی (پرسشنامهٔ زبان‌شناختی اجتماعی، تحلیل آماری واژگانی، گردآوری و ثبت متون).

فصل سه کتاب به بیان کلیاتی از پیشینهٔ جوامع کُمزاری و زبان آنان اختصاص یافته و شامل این مباحث است: پیشینهٔ تحقیق، بافت اجتماعی و زبان کُمزاری. گفتنی است هر یک از این سرفصل‌ها به زیرشاخه‌های متنوع‌تری تقسیم‌بندی شده تا جزئیات بیشتری را درخصوص جمعیت‌شناسی، هویت قومی، و مهاجرت، الگوی ازدواج، آموزش و پرورش و پویایی و کارآمدی زبان بازگو کند.

«جامعهٔ زبانی لارکی» عنوان فصل چهار است. در این فصل می‌خوانیم سخنگویان کُمزاری به دو دسته‌اند: یکی ساکن شبه‌جزیرهٔ مسندم و دیگری مقیم جزیرهٔ لارک که البته این تحقیق به گروه دوم اختصاص دارد. خلاصهٔ مطالب تحقیق حاضر دربارهٔ لارکی، پیشینهٔ جغرافیایی جزیرهٔ لارک، پیشینهٔ اجتماعی جامعه و ساکنان جزیره، گردآوری اطلاعات گونهٔ زبان لارکی و معرفی افراد بومی شرکت‌کننده در تحقیق از نظر موقعیت اجتماعی، سنی، جنسی، زبانی و مانند آن مطالب این فصل را دربرمی‌گیرد.

در فصل پنجم پژوهشگران ارتباط میان کُمزاری مسندم و لارکی را، با در نظر گرفتن پراکندگی گونه‌های کُمزاری، ملاحظات خویشاوندی زبانی، شباهت‌های واژگانی و درک

متقابل گویشوران هر دو زبان از سخنان یکدیگر، به بررسی می‌گذارند و در نهایت نتیجه می‌گیرند لارکی و گُمزاری مسندم هر دو گویش‌های یک زبان واحد به نام گُمزاری‌اند. فصل شش به کاربرد زبان در جامعه لارکی با در نظر گرفتن چندزبانگی و نیز کاربرد زبان در حوزه‌های تخصصی اختصاص یافته است. زبان‌هایی که کاربران فراگرفته و در شرایط ویژه به کار می‌گیرند عبارت‌اند از: فارسی، عربی، بندری، قشمی، هرمزی، ترکی یا قشقایی استان فارس.

عنوان بحث در فصل هفت «زبان و رسانه‌ها» است. این فصل به نقش رسانه‌ها مانند رادیو، تلویزیون، فیلم و نوار، لوح فشرده (CD)، روزنامه، اینترنت و کاربرد زبان در این جامعه زبانی می‌پردازد. مباحث این فصل بیشتر بر محور یک دسته اطلاعات آماری و درصدگیری دور می‌زند و ملاک‌های سن و جنس نیز در نظر گرفته شده است و، در این میان، جایگاه رادیو و تلویزیون به مراتب بارزتر است و رسانه‌های نوشتاری مانند کتاب، مجله، روزنامه و اینترنت تقریباً هیچ جایگاهی در زندگی افراد منطقه ندارند.

فصل هشت، سه نکته را بازشناسی می‌کند: نخست نظر گویشوران را درخصوص جایگاه و شأن و اعتبار زبانشان در تقابل با دیگر زبان‌ها مانند گُمزاری مسندم جویا می‌شود، دوم می‌کوشد تا دریابد گویشوران برای انجام امور مختلف در شرایط ویژه کدام زبان را مناسب‌تر و کارتر می‌دانند و، در پایان، دانستن کدام زبان‌ها را برای خود و فرزندان‌شان ضروری می‌دانند و این پرسش‌ها در آخر به مباحثی چون پویایی زبان، کارآمدی زبان در شرایط خاص و وضعیت رو به اضمحلال آن در فصل نه می‌انجامد.

فصل ده به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی اختصاص یافته است. پژوهشگران در پایان این تحقیق به این نتایج کلی رسیده‌اند: یکی آنکه لارکی و گُمزاری مسندم هر دو گویش‌های زبان واحدی به نام گُمزاری‌اند و دیگر آنکه چندزبانگی انطباقی در این جامعه زبانی به وضوح به چشم می‌خورد و البته نظر گویشوران نسبت به زبانی که بدان تکلم می‌کنند هم مثبت قلمداد می‌شود.

صفحات ۸۸ تا ۱۵۳ چند ضمیمه را با این عناوین در بردارد:

۱. پرسشنامه زبان‌شناختی-اجتماعی جمعی به انگلیسی و فارسی
۲. پرسشنامه زبان‌شناختی-اجتماعی فردی به انگلیسی و فارسی

۳. فهرست واژه‌ها: فهرستی شامل ۲۴۰ مدخل، انگلیسی، فارسی، لارکی، گُمزاری مسندم و عربی، که تعداد ۱۰۰ مدخل آن همان فهرست سوادش^۱ است.
۴. متون ضبط شده برای آزمون درک زبانی و تفاهم متقابل گویشوران زبان لارکی و گُمزاری مسندم از یکدیگر: RTT materials^۲
۵. جدول واج‌های لارکی و گُمزاری مسندم
۶. آمار جمعیت‌شناختی گویشوران لارکی و گُمزاری مسندم
۷. تصاویر پژوهشگران در حین انجام تحقیق در منطقه و کتابنامه که، به‌رسم جاری، در بخش پایان کتاب آمده است.

بهره‌گیری از امکانات پژوهشی و مالی دانشگاه و چند سازمان علمی-پژوهشی سوئدی و ایرانی و همراهی یک هیأت تحقیقاتی، متشکل از پژوهشگران و دانشجویان مختلف، انتظار خواننده کارشناس و نکته‌سنج را از این تحقیق به‌مراتب بالا می‌برد. به‌طوری که خواننده پس از مطالعه کتاب چشم انتظار نتایج علمی تازه و موشکافانه‌تری است تا صرف دو نکته کلی که در نتیجه‌گیری فصل ده آمده است.

در این پژوهش تحلیل‌های صرفی و نحوی به چشم نمی‌خورد، زیرا فهرست واژه‌های ۲۴۰ عددی نمی‌تواند مبنای کافی و دقیق برای اظهار نظرهای دستوری و زبان‌شناختی باشد. در یک نگاه کلی، باید گفت این تحقیق به‌عنوان گامی آغازین در زبان‌شناسی اجتماعی قابل‌اعتنا تر است تا یک تحقیق جامع‌گویی. با این حال، جا داشت در کنار اطلاعات آماری و درصدگیری متعدد و شاید غیرضروری، دست‌کم، ملاک عدم تطبیق مرزهای جغرافیایی-سیاسی و مرزهای گویشی نیز مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گرفت. گفتنی است کتاب از ساختار روشمندی در تحقیق برخوردار است و همین ویژگی است که بیشتر به این پژوهش صورت آکادمیک داده تا محتوای تحقیقی آن. نظم منطقی مطالب، پرسش‌نامه‌های نکته‌سنجانه، نمودارهای رنگی، جدول‌های متعدد و دقت در آوانویسی از نقاط قوت این کار به‌شمار می‌رود. همچنین پرسشنامه‌هایی که به زبان فارسی در بخش ضمیمه گنجانده شده، الگوی مناسبی در تهیه و تدوین راهنمای گردآوری گویش‌ها و دیگر تحقیقات مشابه در سازمان‌های علمی-پژوهشی ذیربط در ایران است.

علی مصریان

1) Swadesh

2) RTT (recorded text test)